

چهارمین دوره «شب‌های جَز» در نیاوران



چهارمین دوره از ویژه‌برنامه «شب‌های جَز» از روز ششم مرداد ماه با حضور تعدادی از هنرمندان داخلی و خارجی در فرهنگسرای نیاوران تهران برگزار می‌شود.

چهارمین دوره از ویژه‌برنامه «شب‌های جَز» از روز ششم مردادماه با حضور تعدادی از هنرمندان داخلی و خارجی، توسط مجموعه «سازباز» و حمایت یک موسسه تولیدی در فرهنگسرای نیاوران تهران برگزار خواهد شد.

در شب اول این دوره، تریوی کارلو ماور نوازنده ایتالیایی و پس از آن سردار سرمست نوازنده ایرانی میزبان علاقه‌مندان هستند.

در اجرای هفتم مردادماه نیز کوارتت کیابوش صاحب نسق، آهنگساز ایرانی برای نخستین بار روی صحنه می‌رود و در بخش دوم هم تریوی آرشید آذرین هنرمند ایرانی ساکن فرانسه پیش روی مخاطبان قرار می‌گیرد.

در روز هشتم مرداد، ابتدا کوارتت «کاسته» که به تازگی با نشر «ای سی ام» همکاری داشته، منتحی از دو آلبوم خود را اجرا می‌کند و پس از آن تریوی «نیوئن ل» گیتاریست فرانسوی که سابقه همکاری با بسیاری از بزرگان موسیقی جز از جمله رندی برکر، ظافر یوسف، وینس مندوزا، رنو گارسیا فونز را دارد، روی صحنه حاضر می‌شود. این در حالی است که مخاطبان در شب پایانی، شاهد اجرای برنامه متفاوتی از کارلو ماور و نیوئن ل خواهند بود.

چهارمین دوره از ویژه برنامه «شب‌های جَز» از ساعت ۲۱:۳۰ روز ششم مردادماه با حضور تعدادی از هنرمندان داخلی و خارجی در فرهنگسرای نیاوران تهران اجرا می‌شود. ضمن اینکه امسال برای نخستین بار در کنار اجراهای صحنه‌ای، دو کارگاه آموزشی نیز برگزار می‌شود.

انجام داده ام. ریشه اصلی این ارتباط و قوت و تسلط به موسیقی کلاسیک، سنتی و بومی ایران و جهان است و همچنان این مهم برایم ادامه دارد.

نمی دانم چرا در کشور خودم از ارکستر سمفونیک و ارکستر ملی بعد از سالها نوازندگی به عنوان سولیست و صاحب سبک اخراج می شوم...! حال موسیقی ما خیلی خوب است... تا حال چه باشید!

* به علاقه‌مندی که دوست دارند چند هنر را در کنار هم پیش بگیرند چه توصیه‌ای دارید؟

هیچ توصیه‌ای ندارم! "ناودان بارش کند نبود به کارا" نمی توانیم فرزندمان را که چشمهای قهوه‌ای دارد در مدرسه چشم‌های آبی‌ها ثبت نامش کنیم که در پایان دوره چشمهای او هم آبی شود!

وقتی روح هنر در وجود آدمی جاری باشد و از طرفی واقعا عاشق کاری که می‌کنیم باشیم و تلاش کنیم و امید داشته باشیم احتمالش هست که حتما موفق شویم. همه چیز در درون صورت می‌گیرد و در برون می‌تواند بروز کند یا نکند.

تلاش از ماست و نتیجه از جای دیگری رقم می‌خورد.
*از فیلمتان بگوئید از خاک تا خاک.

در سالهایی که از ارکستر سمفونیک و ارکستر ملی اخراج شدم به اجبار به شمال و شهرستان مهاجرت کردم؛ در این دوره گذر سفر درونی دیگری آغاز شد و موسیقی‌ای که در ۲۰ سالگی ساخته بودم با عنوان "از خاک به خاک" که کاملا موسیقی مفهومی و تصویری است، ایده اولیه ام شد برای ساخت فیلم کوتاهم با همان عنوان از خاک به خاک (From soil to soil). البته طرح‌ها را به شبکه چهار ارائه کرده بودم و مورد اقبال نبود و کار راضیع و مردود دانستند!

ولی نمی دانم چطور می‌شود این را توجیه کرد که این طرح مردود چگونه در یک فستیوال بین‌المللی هندوستان (LAIKE VIEW International film festival) در سال ۲۰۱۸ در بین ۸۵۰ فیلم از سراسر جهان برنده شد؟! این فیلم کوتاهم ۲۲ دقیقه است، دقیقا به تایم مدت موسیقی‌ای که ساخته بودم در ۲۰ سالگی.

با تم مفهومی و کانسپت (به معنای فکر و تصور کلی، روش و طراحی) که بدون دیالوگ در قالب نوازنده‌ای که ظهور حقیقتی را اعلام می‌کند که طبق معمول حقیقت له شده و دیده نمی‌شود...

کار نویسندگی، کارگردانی، بازیگری، موسیقی و تدوین این فیلم را خودم انجام دادم و نقش مقابلم خانم الهام پیری که به عنوان نمادی از کسی که به درک واقعی این حقیقت رسید بازی کرد. در همین جا تشکر فراوان و ویژه دارم از اساتید محترم آقایان علیرضا گل زاده فیلمبردار و دستیار کارگردان و علیرضا صادق زاده عکاس و دستیار کارگردان که بی‌ریا و صمیمی در انجام این پروژه یاری‌ام کردند.

قسمت مهم دیگر کار که اگر زحمات آقای مرتضی زرنندی و خانمها دکتر عسل وفاپی و دکتر هدی موفق نبود این فیلم به خاطر تحریمهای ایران نمی‌توانست روی سایت فستیوالهای فیلم بین‌المللی دنیا آپلود شود. تشکر از تمام عوامل و دوستانی که در این پروژه یاری‌ام کردند از ابتدا تا انتها.

* حرف آخر این گفتگو.

حرف آخرم را مایلیم با یکی از شعرهای کانسپتم بزنم: ...می‌توان سلام ستارگان را به ماه پیشانی ات چسباند / می‌توان صدای پرچله‌ها را به پایت ریخت / یکی از همین شبها می‌شوی یکی از سلولهای تو می‌خواند / به شکوفه‌های بید می‌نشاندت / به آواز آهوان چشم انتظار / و یا به تمام زیباییهایی که هنوز در کارخانه خلقت خلق نشده‌اند / از گندمزار موهابیت واژه جوانه می‌زند / شعر می‌روید / وای... / آینه را ببین! تو شعر شده‌ای...

* بیشتر تمرکزتان روی موسیقی است یا هنرهای دیگر؟ - با توجه به اینکه در هنرهایی که تخصصی و حرفه‌ای فعالیت کرده و دست به خلاقیت‌هایی زده ام که در نوع خود بی‌نظیرند! بیشتر تمرکز روی موسیقی است و اگر کسی از نام و نشانم بی‌بهره خود را موزیسین معرفی می‌کنم، وه که چه بی‌نام و بی‌نشان که منم.

در هنر معرق چوب بعد از طی یک دوره کوتاهی که سبکهای سنتی معرق را در ابتدا گذراندم و در این راه مدیون استاد سرکار خانم فایزه دانش پژوه هستم؛ بعد از مدت کوتاهی دست به خلاقیت در زمینه معرق چهره زدم که اوج اجراهایم در این سبک از معرق، ساخت چهره ملکه هلند در سال ۲۰۰۷ به سفارش سفارت هلند در ایران صورت گرفت.

در سالهای اخیر از آنجا که پس زمینه مغز و قلب هنری ام در خلاقیت هنر مدرن و کانسپت می‌باشد دست به خلاقیت در این سبک زدم و یا بهتر است بگویم بنیانگذار این سبک در هنر معرق

هستم که حاصل آن ۷ تابلوی خاص با مفهیمی بلند است که با سازمانهای فرهنگی جهان در حال مذاکره هستم که به لطف حق به ثبت و در نمایشگاهی خاص ارایه خواهد شد.

* وضعیت حال حاضر موسیقی کشور مان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

- راجع به حال کدام موسیقی می‌پرسید؟ موسیقی ریشه‌ای ما که به آب و نان نمی‌رسد! در نگرشی دیگر عرفان موجود در موسیقی ایران حتی فراموش شده و گاه چه از جانب خالق و اجرا کننده موسیقی و چه شنونده به سخره گرفته می‌شود! به همین دلیل مهم آثار فاخر و ماندگار خیلی کم می‌شنویم و اکثرا خالقان مانند عموم مردم درگیر زمین و مادیات شده‌اند و از سویی دیگر نیازهای مختلف خالقان و بهره‌برندگان. این مهجور واداشته شده‌ای که چون قداره کشی خجالتی در مه عزلت نشسته است.

موسیقی دیگری داریم که مخرب و وحشتناک است و هر روز بر حجم انباشته بی‌هویتش افزوده می‌شود و بدون ریشه به آب و نان می‌رسند! و این از عجایب خلقت عالم هستی است.

دقیقا در همینجا باید برگردیم به بحث زیبایی شناسی؛ وقتی با دستهای خودمان زباله به طبیعت هدیه می‌دهیم و چشم زیبا بین را به بد دیدن عادت می‌دهیم پس چه اشکالی دارد که گوشمان هم به بد شنیدن عادت کند؟! حال کدام موسیقی را می‌خواهید بگوئیم؟

اینکه در کیفیت و کمیت چه اتفاقی افتاده یا فضای کاملا بسته‌ای که مقوله‌ای مافیایی هنر را تشکیل می‌دهد و حتی به همکاران هم‌رده خودمان کمتر دسترسی داریم که شامل بحثی دامنه دار است... به امید آنکه حال مام هنر خوب باشد.

موسیقی و هنر که به خودی خود بد نمی‌شود و حالش خیلی هم خوب است.

* با توجه به تجربه شما در حوزه موسیقی بین‌المللی، فکر می‌کنید موسیقی ایرانی قابلیت جهانی شدن را دارد؟

- به قول استاد محمد رضا لطفی در پاسخ به کسی که موسیقی کلاسیک را دریا می‌دانست و موسیقی ایران را قطره؛ استاد گفتند: "بله موسیقی ما یک قطره است ولی یک قطره اشک!"

زبان هنر و به ویژه موسیقی جهانی است و تمام موسیقی‌های دنیا این قابلیت را دارند که در کنار هم و ممزوج و حتی در حالت ادخال درهم شنیده شوند.

ولی این ترکیب باید درست انجام شود و هویتها و پیامهای نهفته در حال و هواها و رنگهای لحن‌ها درست انجام شود. چه اینکه این اتفاق خوب و بد در حال انجام است.

از آنجا که اکثر کنسرت‌هایم در ایران و اروپا و به فستیوالهایی که در کشورهای مختلف دعوت شده و اجرا داشته‌ام به عنوان آهنگساز، نوازنده یا خواننده کاملا به این شکل در کنار موسیقی کشورهای مختلف و در کنار اساتید بزرگی چون کابالی، پرفسور لسه و آرومانو و خیلی دیگر از خوانندگان و نوازندگان نامدار جهان این کار را

بیشتر تمرکز روی موسیقی است و اگر کسی از نام و نشانم بی‌بهره خود را موزیسین معرفی می‌کنم، وه که چه بی‌نام و بی‌نشان که منم

نمی‌توانیم فرزندمان را که چشمهای قهوه‌ای دارد در مدرسه چشم آبی‌ها ثبت نامش کنیم که در پایان دوره چشمهای او هم آبی شود!